



رومن رولان

# موسیقی دانان دیروز

ترجمه رضا رضایی

تهران، زمستان ۱۳۹۶

۱۳	پیش‌گفتار مترجم
۱۷	مقدمه
۱۹	مقام موسیقی در تاریخ
۳۹	پیدایش اپرا
۴۳	۱. «نمایش مقدس» در فلورانس و «نمایش بهاره» در توسکانی
۵۴	۲. کمدی لاتینی و اجرا به سبک کلاسیک
۶۴	۳. پاستورال‌ها در موسیقی و تورکواتو تاسو
۷۷	نخستین اپرا در پاریس: اورفئوسِ لوئیجی روسی
۷۹	۱. مازارن و موسیقی
۸۵	۲. باربرینی‌ها در فرانسه
۸۹	۳. لوئیجی روسی قبل از ورود به فرانسه
۹۸	۴. اجرای اورفئوس در پاریس و مخالفت‌های مذهبی و سیاسی با اپرا
۱۰۸	۵. اورفئوس
۱۱۷	۶. لوئیجی روسی بعد از اورفئوس
۱۲۳	ژان - باتیست لولی
۱۲۵	۱. زندگی و شخصیت
۱۳۵	۲. موسیقی
۱۵۸	۳. رسیتاتیفِ لولی و دکلمهٔ راسین

- ۱۸۶..... ۴. عناصر ناهمگون در اپراهای لولی
- ۱۹۸..... ۵. سنفونی‌های لولی
- ۲۱۰..... ۶. عظمت و محبوبیت هنر لولی
- ۲۲۳..... کریستوف فون گلوک
- ۲۲۵..... دربارهٔ آلکسیس
- ۲۲۸..... ۱
- ۲۴۸..... ۲
- ۲۶۹..... آندره گرتی
- ۳۰۱..... وولفگانگ آمادئوس موتسارت
- ۳۰۳..... به روایت نامه‌ها
- ۳۲۷..... یادداشت‌ها
- ۳۸۴/1, ۳۸۳/2, ۳۸۲/3, ۳۸۱/4, ۳۸۰/5, ۳۷۹/6, ۳۷۸/7..... پارتیتورِ اورفئوسِ لوییجی روسی
- ۳۸۵..... پیوست‌های مترجم
- ۳۸۷..... اصطلاحات
- ۳۹۹..... فهرست نام‌ها

اپرا را عموماً ابداع فلورانسی‌های اواخر قرن شانزدهم می‌دانند. گفته‌اند که اپرا محصول کار جمع کوچکی از موسیقی‌دانان و شاعران و افراد خوش ذوق بوده که در دربار دوک اعظم توسکانی جمع شده بودند — یا به روایت دقیق‌تر، در سالن نجیب‌زاده‌ای والامقام به نام کنت باردی در فاصله ۱۵۹۰ تا ۱۶۰۰. در جریان تکوین این فرم دراماتیک و موسیقایی که بعداً ماجراهای شگفت‌آوری را در جهان از سرگذراند، به نام‌هایی برمی‌خوریم نظیر وینچنتسو گالیلی (پدر گالیله معروف)، اوتاویو رینوچینی که شاعر بود، یا کوپوکورسی که اهل علم بود، پری و کاجینی که آوازخوان بودند، و امیلیو دکاوالیری که مدیر نمایش‌ها و جشن‌های فلورانس بود.

در سال‌های اخیر درباره تاریخ اپرا مطالب بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، اما خطای مورخان <۱> تا به حال این بوده که باور کرده‌اند یا باوراندند که این فرم هنری از چله ذهن چند آدم مبتکر به بیرون پرتاب شده است، اما آفرینش‌هایی از این نوع در تاریخ کمیاب است. بد نیست واژه‌های متین آن نوشته‌ای را به یاد بیاوریم که شعارگونه بر سر در خانه‌ای در ویچنتسا



«نمایش مقدس» در فلورانس

و

«نمایش بهاره» در توسکانی

می‌دانیم که نخستین کارها در اپرای فلورانس در پایان قرن شانزدهم (که در آغاز قرن هفدهم مونته‌وردی همان‌ها را گرفت و بسط داد) دو پاستورالِ موسیقی‌دار بودند — یکی دافنه که کورسی، پری، کاجینی و مارکودا گالیانو از ۱۵۹۴ تا ۱۶۰۸ به نوبت آن را اجرا کردند؛ و دیگری ائورودیکه (یا یک اورفئوس) که پری، کاجینی و مونته‌وردی از ۱۶۰۰ تا ۱۶۰۷ و بعداً استفانو لاندی (در ۱۶۱۹) و لوئیجی روسی (در ۱۶۴۷) آن را نمایش دادند.

در ۱۴۷۴ در مانتوا — همان شهری که صد و چهل سال بعد اورفئوسِ مونته‌وردی و دافنه‌ی گالیانو در آن اجرا شد — یک اورفئوس به همتِ پولیتیانوس نامدار با موسیقیِ جِرمی، و چند سال بعد، در ۱۴۸۶، یک دافنه با موسیقیِ جان پیتر و دلا ویولا به اجرا درآمد.

بله، در سال ۱۴۷۴، در عنفوان رنسانس، در زمانی که بوتیچلی و گیرلاندايو کار خود را آغاز می‌کردند، در زمانی که وِروکیو روی داوودِ مفرغین خود کار می‌کرد، در زمانی که لئوناردو داوینچی جوان در فلورانس درس می‌خواند، و یک سال قبل از تولد میکلائوژ، بله در این زمان،

نقش کرده‌اند: «همه چیز می‌آید و می‌رود، لیکن هیچ چیز نمی‌میرد.» <۲>  
آنچه ما آفرینش می‌نامیم بیشتر وقت‌ها چیزی نیست جز بازآفرینی. در بحث حاضر هم می‌توان پرسید این اپرایی که فلورانس‌ی‌ها در عینِ حسن نیت گمان می‌کردند خودشان آن را پدید آورده‌اند، آیا با تفاوت‌هایی، خیلی قبل از آن‌ها — حتی از آغاز رنسانس — وجود نداشته است؟ <۳>  
من با شاهد آوردن، نه از مورخان موسیقی، بلکه از مورخان ادبیات و هنرهای تجسمی — که در کمال تعجب، موسیقی‌دانان تقریباً همیشه از آن‌ها غفلت کرده‌اند — می‌خواهم همین نکته را روشن کنم. متأسفانه مورخان عادت کرده‌اند که هر هنر خاصی را از تاریخ هنرهای دیگر و بقیه بخش‌های حیات فکری و اجتماعی تفکیک کنند. معلوم است که چنین شیوه‌ای به استنتاج‌هایی ساختگی ختم می‌شود که ربطی به واقعیت‌های زنده ندارند. در تحلیل فرمی مانند اپرا، که در آن همه هنرها به هم می‌رسند، خطر این طرز تلقی بیشتر هم می‌شود. من سعی دارم که در تاریخ عمومی هنر ایتالیا، اپرا را در جایگاه خودش بنشانم و دامنه و وسعت جنبشی بسیار کهن را در موسیقی و شعر نشان بدهم که خود نتیجه طبیعی تحولاتِ دراماتیک در طی چندین قرن بوده است. <۴>